

خلاصه طرح پژوهشی:

محاسبه کثتش اشتغال و

نسبت کاربری صنایع

کارخانه‌های ایران

پژوهشگر: دکتر بیژن باصری (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران)

پیشنهاددهنده: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

«قسمت پایانی»

وضعیت بهره‌وری صنایع کارخانه‌های در سال ۱۳۷۰، تصویر وضعیت موجود اشتغال و هدف‌های کمی برنامه سوم توسعه، ارزیابی و احتمال دستیابی به اهداف مورد نظر مطالبی است که در شماره پیشین به آنها پرداخته شده، اینک سومین و آخرین قسمت خلاصه این طرح تحقیقاتی از نظر شما خواهد گذشت.

□ الزامات تحول در نظام صنعتی ایران

۱- تضمین و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری. تجربه عملی نشان داده که رفتار دولت با سرمایه‌گذاران داخلی شرایطی را ایجاد نکرده که انگیزه، باور و اعتقاد آنان را در سرمایه‌گذاریهای داخلی

جلب نماید و بخش صنعت ایران از ناحیه چنین شرایط ایجاد شده‌ای متحمل خسارات فراوانی شده است.

۲- تضمین امنیت سرمایه‌گذاران خارجی. مادام که امنیت سرمایه‌گذاران داخلی تأمین نگردد ورود سرمایه‌های

خارجی به کشور شعاری بیش نخواهد بود. این دو موضوع در روند تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال بخش صنعت حایز اهمیت بسیار است.

۳- میدان دادن به فعالین بخش خصوصی.

بخش خصوصی شکل گرفته در اقتصاد ایران، بخشی بوده که به اعتبار درآمدهای حاصل از صدور نفت، انجام مخارج دولتی و استفاده از رانت‌های تجاری و تولیدی (در قالب انحصارات) به حیات خود ادامه داده است. این موضوع از سیاست‌های حمایتی دولت، نظام تجاری و تعرفه‌ای و فقدان نهادهای رقابتی در درون اقتصاد ایران تأثیر پذیرفته است. اصلاح چنین مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و اعمال سیاست‌های بازارگانی صحیح از دیگر الزاماتی، است که می‌تواند در تحریک تولید و سرمایه‌گذاری بخش‌های صنعتی نقشی مهمی ایفا نماید.

۴- همانگونه که در قسمت‌های قبل ملاحظه گردید، بخش صنعتی ایران از نظر اشتغالی که به صورت غیرمستقیم ایجاد می‌کند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از مشاغل ایجاد شده در بخش خدمات مرهون توسعه بخش صنعت و نظام صنعتی در کشور است مشروط بر اینکه پتانسیل‌ها و توانمندی‌های بالقوه در بخش خدمات به فعلیت درآید. این موضوع تا آن اندازه مورد اهمیت و توجه است که براساس برخی برآوردها به ازاء یک دلار سرمایه‌گذاری صنعتی ۵ دلار خدمات مرتبط با صنعت ایجاد شده است. طبیعی است تأکید بر این موضوع که در برنامه سوم توسعه

بخش صنعت مورد تأکید قرار گرفته باعث گسترش شرکت‌های کوچک صنعتی می‌شود و زمینه رقابتی شدن صنایع را تسریع می‌کند.

□ جهت‌گیری‌های دولت باید به سمت و سوی باشد که سرمایه‌گذاری در صنعت با اشتیاق صورت گیرد و اگر یک فرد سرمایه‌گذار در بخش خدماتی و صنعتی انتخاب داشته باشد بخش صنعت را انتخاب نماید.

۵- بازسازی ساختار درونی شرکتها و واحدهای تولیدی صنعتی. این موضوع نقش مهمی در بهبود عملکرد صنعت در ایران دارد بازسازی ساختار واحدهای تولیدی از نظر توانایی‌های مدیریتی، استفاده از نیروهای متخصص و تغییر ساختار نیروی انسانی و استفاده از ظرفیتهای خالی، کارا نمودن استفاده از عامل کار و سرمایه از اصلاحاتی است که به صورت جدی دولت و مدیران و سیاستگذاران باید در انجام آنها اهتمام بورزند.

خصوصاً اینکه نسبت کار به سرمایه بر اساس متد جدول داده - ستانده در قسمت‌های پیشین برآورد شد و این

موضوع اثبات گردید که بخش‌های صنعتی ایران از نظر ایجاد اشتغال نقش عمده و اساسی‌تری در این خصوص ایفا می‌کنند. به علاوه سایر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که مشارکت صنایع کارخانه‌ای در نرخ رشد تولیدات کشورهای درحال توسعه در سالهای ۹۵-۱۹۹۰ حدود ۳۲/۱ درصد بوده است که بسیار قابل توجه است.

ع در مطالعه حاضر نقش صادرات به عنوان یک معیار و مبنا که می‌تواند در گسترش تولیدات و ایجاد اشتغال نقش مهمی ایفا نماید مورد بررسی قرار گرفت. براساس متد داده - ستانده اشتغال‌زایی بخش‌های صادراتی محاسبه گردید. یافته‌ها حاکی از این است که نظام صادراتی قادر است نقش مهمی در ایجاد اشتغال عهده‌دار شود، مشروط بر این که محیط مناسب تجاری شکل بگیرد و صادرات بتواند از یک طرف کارایی واحدهای درونی اقتصاد را ارتقاء دهد و انحراف قیمت عوامل تولید را کاهش دهد و از طرف دیگر منابع ارزی حاصل از صادرات و رشد این بخش به گونه‌ای حرکت نماید که به عنوان محور و موتور رشد تولیدات داخلی بخش صنعت قرار گیرد.

رتبه‌های محیط تجاری ایران در جدول شماره (۷) درج شده است.

جدول (۷) رتبه‌های محیط تجاری ایران

رتبه منطقه‌ای* در بین ۸ کشور		رتبه جهانی (گزینه‌ش ۶۰ کشور)		مقدار شاخص (حداکثر ۱۰ امتیاز)		رتبه‌های محیط تجاری
۷	۷	۵۹	۵۸	۳/۵۵	۳/۱۳	وضعیت کلی
۵	۶	۵۵	۵۵	۴/۱	۳/۳	محیط سیاسی
۳	۴	۵۲	۵۳	۴/۶	۳/۷	ثبات سیاسی
۶	۶	۵۴	۵۳	۳/۶	۲/۹	کارآمدی نظام سیاسی
۶	۴	۵۴	۴۱	۵/۱	۵/۲	محیط کلان اقتصادی
۶	۳	۴۱	۳۹	۵/۶	۵/۳	امکانات و فرصتهای بازار
۷	۶	۵۹	۵۷	۲/۷	۲/۴	سیاست دولت نسبت به بنگاهای خصوصی و رقابت
۷	۷	۵۹	۵۹	۲/۷	۲/۱	سیاست دولت نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی
۷	۷	۵۹	۵۹	۲/۷	۲/۱	بازرگانی خارجی و کنترل ارزی
۷	۷	۵۹	۵۹	۲/۸	۲/۵	مالیاتها
۵	۶	۵۶	۵۶	۱/۸	۱/۸	بازار پول و سرمایه و تأمین منابع مالی
۷	۷	۵۹	۵۹	۳/۳	۳	بازار کار
۵	۵	۵۳	۴۶	۳/۷	۳/۷	زیربناهای

* کشورهای مورد نظر مصر، ایران، عراق، اسرائیل، نیجریه، عربستان صومالی و آفریقای جنوبی.

جدول فوق وضعیت تجاری ایران از نظر مرتبه بین ۶۰ کشور و ۱۰ کشور منطقه‌ای را نشان می‌دهد. شاخصهای مربوط به ایران در جدول فوق بسیار پایین است. با توجه به پدیده جهانی شدن در صحنه اقتصاد جهانی نمی‌توان اقتصاد را به صورت بسته مدیریت نمود. بسته بودن اقتصاد با توجه به تجربه اقتصاد ایران که حمایتها به صورت منطقی انجام نمی‌شوند و اعمال حمایتها به گونه‌ای بوده که عقب افتادگی تکنولوژی و عدم پویایی در درون نظام صنعتی با توجه به

ضعف در سازماندهی تولیدات، بازاریابی و مدیریت را به دنبال داشته است و لزوم بازنگری در این حوزه‌ها بیش از پیش احساس می‌گردد. وضعیت رکودی در صنعت ایران در فاصله سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ و کاهش تشکیل سرمایه ثابت صنعت بطور متوسط سالانه ۹/۳ درصد لزوم توجه و انجام اصلاحات اساسی را طلب می‌کند. در این راستا لازم است مؤسسات توسعه‌ای تخصصی جهت حمایت و هدایت سرمایه‌گذاران صنعتی ایجاد شود

□ **بازسازی ساختار واحدهای تولیدی از نظر تواناییهای مدیریتی، استفاده از نیروهای متخصص و تغییر ساختار نیروی انسانی و استفاده از ظرفیتهای خالی، کارا نمودن استفاده از عامل کار و سرمایه از اصلاحاتی است که به صورت جدی دولت و مدیران و سیاستگذاران باید در انجام آنها اهتمام بورزند.**

ندارد و لذا تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال این واحدهای تابع رانت‌ها و سودهای بادآورده‌ای است که نصیب آنان می‌شود. این موضوع خصوصاً در اقتصاد ایران که نهادهای وابسته به دولت فراوانند و نفت به عنوان ابزار درآمد و قدرت که در اختیار دولت است شرایطی را ایجاد نموده است که فاقد یک نگرش نظامند و سیستمی از نظر تصمیم‌گیری باشد. به علاوه در سایه چنین نگرشی بسیاری از نهادهای انحصاری شکل گرفته است که از طریق روابط خود با نهادهای مالی و اقتصادی قسمت عمده منابع مالی را به خود اختصاص می‌دهند. در این راستا لازم است دولت از طریق نهادسازی و ایجاد نهادهای مربوط به تولید، سرمایه‌گذاری و فن‌آوری شرایطی را ایجاد نماید که ناهماهنگی و ناهمخوانی بخشی از بین برود. برای مثال سیاستهای پولی، مالی، ارزی با اهداف توسعه صنعتی در تضاد نباشند. اگر صنعت مشکل نقدینگی دارد سیاستهای اعتباری انقباضی اعمال نشود بلکه اعتبارات و سیاستهای اعطای تسهیلات به سمت و سوی این بخشها سرازیر شود. متأسفانه در سالهای اخیر مکرراً مشاهده شده که بخشهای بازرگانی از نظر اعطای وام و تسهیلات نسبت به بخشهای تولیدی سهم بیشتری داشته‌اند و منابع مالی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.



حمایتهایی که از بخش صنعت صورت می‌گیرد با ضد حمایتهایی که پس از بهره‌برداری بر تولید و سرمایه‌گذاری حاکم است از بین می‌رود. برای مثال بسیاری از واحدهای نوپای صنعتی در اثر بی‌ثباتی در قوانین و مقرراتی که حاکم بر نظام اقتصادی جامعه است لطمه می‌بینند و بعد از چند سال مقاومت ورشکسته، و باور، اعتقاد و تصمیم آنان در مورد تولیدات صنعتی و رشد این بخش به خاموشی می‌گراید. ذکر این نکته لازم است که بسیاری از صنعتگران در اقتصاد ایران نیز به رانت جویی از طریق روابط موجود در جامعه عادت کرده‌اند و اندیشه تجدید ساختار واحد تولیدی و بهره‌برداری مؤثرتر از نظام تولیدی در برخی از این افراد وجود

و شرایط برای ورود کارآفرینان به عرصه صنعتی مهیا گردد. این مهم زمانی حاصل می‌شود که مقررات دست و پاگیر نظام صنعتی به نحوی اصلاح شود که انگیزه و تمایل سرمایه‌گذاران در ورود به چنین عرصه‌هایی را برانگیزد. اصلاح نظام بانکی و اعتباری و وجود مؤسسات مالی و اعتباری که بتواند اعتبارات لازم را به بخش خصوصی اعطا کند از دیگر سیاستهای عمده در این خصوص است. در واقع جهت‌گیریهای دولت باید به سمت و سویی باشد که سرمایه‌گذاری در صنعت با اشتیاق صورت گیرد و اگر یک فرد سرمایه‌گذار در بخش خدماتی و صنعتی انتخاب داشته باشد بخش صنعت را انتخاب نماید. در اقتصاد ایران

موضوعات مطرح شده فوق موضوعاتی هستند که به صورت تفصیلی تری در برنامه سوم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. منتهی آنچه باید مورد تأکید قرار گیرد اجرا و عمل به مسایل مطرحه فوق است که می‌تواند گرهگشای مسایل موجود در بخش صنعت باشد.

□ خلاصه و جمع‌بندی

در قسمت اول مقاله حاضر به صورت اجمال اشتغال به عنوان یکی از معضلات کنونی اقتصاد ایران مطرح و روشهای محاسبه کاربری صنایع، معایب و مزایای آن بیان شد. علیرغم معایبی که شاخص K به L داراست هنوز هم به عنوان یکی از شاخص‌های کاربری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در قسمت دیگر تجربه برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته از نظر نقشی که صادرات در اشتغال ایفا می‌نماید مورد ملاحظه قرار گرفت. کشورهای که نظام صادراتی کارآمدی داشته‌اند و بخش صادراتی آنان در گسترش تولیداتشان نقشی اساسی ایفا نموده است در ایجاد شرایط رقابتی در درون اقتصادهایشان موفق‌تر بوده‌اند. وجود چنین شرایط رقابتی باعث شده تا انحرافات موجود در بازار کار و سرمایه این قبیل کشورها کاهش یابد. به تبع ایجاد چنین شرایطی استفاده از سرمایه‌ها

□ **لگر این نکته لازم است که بسیاری از صنعتگران در اقتصاد ایران به رانت‌جویی از طریق روابط موجود در جامعه عادت کرده‌اند و اندیشه تجدید ساختار واحد تولیدی و بهره‌برداری مؤثرتر از نظام تولیدی در برخی از این افراد وجود ندارد و لذا تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال این واحدهای تابع رانت‌ها و سودهای بادآورده‌ای است که نصیب آنان می‌شود.**

□ **نظام صادراتی قادر است نقش مهمی در ایجاد اشتغال عهده‌دار شود، مشروط بر این که محیط مناسب تجاری شکل بگیرد و صادرات بتواند از یک طرفه‌کاری و واحدهای درونی اقتصاد را ارتقاء دهد و انحراف قیمت عوامل تولید را کاهش دهد و از طرف دیگر منابع ارزی حاصل از صادرات و رشد این بخش به گونه‌ای حرکت نماید که به عنوان محور و موتور رشد تولیدات داخلی بخش صنعت قرار گیرد.**

کارا تر و اشتغال ایجاد شده مولدتر بوده و نقش عمده‌ای در گسترش تولید و ظرفیت‌های اقتصادی به جا گذاشته است. در این راستا برخی کشورها در فرایند تولید خود از مزیت نیروی کار فراوان استفاده نموده‌اند و به تدریج ساختار نیروی انسانی خود را از یک ترکیب فاقد مهارت به نیروی انسانی متخصص و ماهر سوق داده‌اند. برخی مطالعات در کشورهای توسعه یافته نشان داد که کشورها در صادرات کالاها و خدمات خود براساس اصل مزیت نسبی حرکت نموده‌اند.

در بخش دیگر کاربری صنایع کارخانه‌ای ایران برحسب کدهای ISIC از طریق جدول داده - ستانده به صورت ۱۷ بخشی برآورد شد. از نظر میانگین پیوندهای تولیدی پیشین و پسین مستقیم که درجه یکپارچگی بخشها را نشان می‌دهد، صنایع تولیدکننده محصولات شیمیایی، نفت، ذغال سنگ، لاستیک و پلاستیک، صنایع تولیدکننده کانیهای غیرفلزی و صنایع تولید فلزات اساسی، صنایع متفرقه و حمل و نقل دارای بالاترین ضریب در سال ۱۳۶۵ هستند.

از نظر پیوندهای تولیدی مستقیم و غیرمستقیم پسین و پیشین بخشهای صنعتی صنایع کانیهای غیرفلزی با ۴/۲۲، صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با ۲/۳ و صنایع متفرقه بیشترین ضریب را

دارا هستند. این ضرایب به مفهوم آن است که در صورت افزایش تقاضای نهایی برای محصولات این بخشها بیشترین تولید در اقتصاد در بخشهای فوق الذکر به دست می‌آید.

محاسبه شاخص حساسیت صنایع در سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که صنایع نساجی، کانی غیرفلزی و صنایع تولیدکننده ماشین‌آلات بیشترین اهمیت را در اقتصاد دارند. شاخص انتشار صنایع در سال ۱۳۶۵ باز هم متعلق به صنایع فوق الذکر است. از طریف دیگر پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم پسین و پیشین شاخص اشتغال در صنایع ایران نشان می‌دهد که صنایع نساجی، کانی غیرفلزی و صنایع تولید ماشین‌آلات و صنایع چوب و محصولات چوبی بیشترین ضریب را به ترتیب اولویت دارا هستند. شاخص حساسیت اشتغال نیز به ترتیب متعلق به صنایع نساجی و چرم، کانی و غیرفلزی و ماشین‌آلات است. محاسبه شاخص انتشار در سال ۱۳۶۵ نیز نشان می‌دهد که صنایع نساجی و چرم، کانی غیرفلزی، ماشین‌آلات، صنایع چوب و محصولات چوبی و صنایع تولیدکننده مواد غذایی و آشامیدنی بیشترین اهمیت و ضرایب را دارند.

از نظر اشتغال زایی صنایع صادراتی در مقایسه با صنایع وارداتی محاسبات نشان می‌دهد که تمام صنایع کارخانه‌ای

□ مادام که امنیت سرمایه گذاران داخلی تأمین نگردد ورود سرمایه‌های خارجی به کشور شعاری بیش نخواهد بود. این دو موضوع در روند تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال بخش صنعت حایز اهمیت بسیار است.

□ در بلندمدت اصلاح ساختار واحدهای تولیدی صنعتی، تشکییل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، استفاده از سرمایه‌گذاریهای خارجی در داخل اقتصاد و به خصوص طرحهای صنعتی، حذف انحصارات از اقتصاد و میدان دادن به بنگاههای کوچک خصوصی برای تولید کالاها و خدمات قادر است مشکلات اقتصاد ایران را مرتفع نماید.

ایران ماهیتی کاربر دارند. به استثنای صنایع استخراج نفت و گاز و صنایع تولید فلزات اساسی که با حذف واردات سرمایه‌بری آنها مشخص می‌شود. به علاوه صنعت نساجی با حذف واردات از نظر سرمایه‌بری و کاربری صنعتی کاربر

است. بنابراین یافته‌های مطالعه حاضر در سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که صنایع ایران این توانمندی را دارند که با افزایش تولید اشتغال ایجاد کنند. به علاوه افزایش صادرات در صنایع کارخانه‌ای ایران به جز نفت و گاز که به عنوان ثروت ملی صادر می‌شوند قادر به ایجاد شغل هستند و در ازای افزایش صادرات از عامل کار بیشتری نسبت به سرمایه استفاده می‌کنند.

در سال ۱۳۷۰ الگوی تولید صنایع براساس جداول داده - ستانده نمایانگر این موضوع هستند که صنایع تولید فلزات اساسی (۱/۴۷)، صنایع شیمیایی (۱/۳۶)، صنایع غذایی (۱/۰۰۳) از نظر ایجاد پیوندهای پسین و پیشین دارای بالاترین ضرایب مربوطه هستند. بقیه بخشهای صنعتی کارخانه‌ای در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی دارای ضرایب بالاتری هستند. زمانی که مجموع پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم پسین و پیشین بخشها محاسبه می‌شوند نتایج ممتاز بودن پیوندهای بخش صنعت را نشان می‌دهند. به علاوه شاخصهای انتشار و حساسیت بخشهای تولیدی در صنایع کارخانه‌ای نسبت به بخشهای خدماتی و کشاورزی بالاتر هستند.

از نظر ایجاد اشتغال شاخصهای حساسیت و انتشار در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که صنایع نساجی (۱/۲)، صنایع

چوب و محصولات چوبی (۱/۷) صنایع تولید ماشین‌آلات (۱/۴) از نظر اهمیتی که در ایجاد اشتغال دارند دارای اولویت‌های بالایی هستند. شاخص انتشار این صنایع نیز دارای ضرایب قابل توجهی هستند.

محاسبه کاربری صنایع در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که صنایع استخراج نفت و گاز با سهم صادراتی ۶/۰۹ درصد سرمایه برترین بخش در اقتصاد ایران است. صنایع نساجی، پوشاک و چرم با در اختیار داشتن سهمی معادل ۱۲/۷ درصد دارای ضریب سرمایه‌بری ۱/۱۵ و صنایع تولید فلزات اساسی با داشتن سهمی معادل ۵/۴ درصد از صادرات یک صنعت کاربر (۰/۱۸۴) است. بر این اساس استخراج نفت و گاز سرمایه بر، و صنایع تولید فلزات اساسی کاربر است. سایر صنایع ایران از نظر به کارگیری نیروی کار در مقابل سرمایه‌های صنایعی هستند که با افزایش صادرات آنها نیروی کار بیشتری به کار گرفته می‌شود زیرا دارای کوچکتر از یک هستند.

از طرف دیگر محاسبه کشش اشتغال در صنایع کارخانه‌ای ایران در صنایع مواد غذایی ۰/۹۵، صنایع نساجی ۰/۴۶، صنایع چوب ۰/۴ درصد، صنایع چاپ و انتشار ۱/۶۶ درصد، صنایع شیمیایی ۰/۷۱، صنایع کانی غیرفلزی ۰/۲۹ درصد، تولید فلزات اساسی ۰/۳۳ و صنایع تولید ماشین‌آلات ۰/۴۱ و کل

صنایع کارخانه‌ای ایران ۰/۵۶ برآورد شده است. کشش‌های فوق حکایت از آن دارند که صنایع ایران این توانمندی را دارند که با افزایش تولید فرصت‌های جدید شغلی ایجاد کنند.

محاسبه بهره نیروی کار در صنایع کارخانه‌ای نمایان می‌سازد که بهره‌وری نیروی کار در صنایع ایران رشد بطئی و کندی داشته‌اند و اشتغال‌های ایجاد شده از نظر مولد بودن در سطح پایینی قرار داشته‌اند و در کمک به تولید نقش کمی ایفا نموده‌اند.

توصیه‌های سیاستی

۱- ما نشان دادیم که افزایش صادرات قادر است بر وضعیت اشتغال اثر مثبت بگذارد. زیرا صادرات با توجه به کاربری و سرمایه‌بری دارای ساختاری است که در اکثر زیربخش‌های صنعتی منجر به افزایش اشتغال می‌شود و از عامل کار بیشتری در مقایسه با سرمایه استفاده می‌نماید. بنابراین یکی از راه‌حلهای ایجاد شغل در اقتصاد ایران و به ویژه در صنایع کارخانه‌ای تقویت صادرات است. به یقین برای انجام صادرات بسته‌بندی شیک و مرغوب و بازاریابی مناسب و اطلاعات بهنگام موردنیاز است انجام این کار هم فرصت‌های شغلی و هم صادرات را افزایش می‌دهد و سیاستی است که قابلیت اجرایی آن امکان‌پذیر است.

۲- برای موفقیت در امر صادرات نیاز

به کالاهایی با کیفیت مرغوب است به نحوی که کالاهای تولیدی قابلیت رقابت در بازار جهانی را داشته باشد. کالای با کیفیت خوب نیاز به نیروی متخصص و دارای مهارت دارد. تأسیس مراکز تحقیقاتی در واحدهای تولیدی و صنعتی و به کارگیری آنها هم موجب افزایش اشتغال و هم موجب ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی می‌شود.

۳- در برنامه سوم توسعه برای ایجاد هر شغل در بخش صنعت رقمی معادل ۱۷۰ میلیون ریال لحاظ شده است. همانگونه که نشان دادیم با در نظر گرفتن پیوندهای پیشین و پسین اشتغال برای ایجاد هر شغل در کل اقتصاد رقمی بسیار پایین‌تر موردنیاز است. زیرا نه چنین مبالغ سرمایه‌ای در نظام بانکی برای ایجاد هر شغل موجود است و نه توان درآمدی کشور اجازه پرداخت چنین مبالغی را امکان‌پذیر می‌سازد. در عوض وقتی رفتار نظام بانکی و اعتباری را مدنظر قرار می‌دهیم می‌بینیم برای ایجاد هر شغل مبلغی در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و در برخی موارد تا یک میلیون تومان وام برای اشتغال می‌دهند. این یک تناقض آشکار در سیاست‌گذاری است، باید به نوعی در رفع آن اقدام شود. پرداخت وام و تسهیلات به واحدهای صادراتی و تشویق صادرات می‌تواند نرخ رشد تولید و صادرات را ارتقا دهد.

۴- در بلندمدت اصلاح ساختار واحدهای تولیدی صنعتی، تشکیل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، استفاده از سرمایه‌گذاریهای خارجی در داخل اقتصاد و به خصوص طرحهای صنعتی، حذف انحصارات از اقتصاد و میدان دادن به بنگاههای کوچک خصوصی برای تولید کالاها و خدمات قادر است مشکلات اقتصاد ایران را مرتفع نماید. ضمن اینکه ارتقاء دانش و تحصیل زنان، کاهش نرخ باروری زنان و فراهم نمودن مشارکت بیشتر آنان در مسائل اقتصادی و اجتماعی خواهد توانست نرخ بیکاری را کاهش دهد. ۵- ضروری است سالانه نرخ رشد دستمزد واقعی با نرخ رشد بهره‌وری تعدیل شود. در این راستا اختلالاتی که در زمینه قیمت کار و سرمایه وجود دارد و به اشکال مختلف در اقتصاد ایران موجود هستند و مانع اشتغال مولد نیروی کار و سرمایه هستند بایستی حذف شوند. این اختلالات رانتهای موجود در اقتصاد ایران هستند که به شکل ویژه‌ای توزیع می‌شوند و افراد و بنگاههایی که دارای پشتوانه سیاسی و اقتصادی بالاتری هستند به راحتی از چنین تسهیلات و رانتهایی بهره‌مند می‌شوند. حذف چنین مواردی ضمن حمایت از رقابتی شدن صنایع و تولیدات از نظر رشد و توزیع درآمد روند هموارتر و پایدارتری را ایجاد خواهد کرد.



منابع فارسی:

- ۱- توفیق، فیروز. تحلیل داده - ستانده در ایران. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۷۲. همچنین نگاه کنید به تودارو، مایکل؛ برنامه‌ریزی توسعه، مترجم عباس عرب مازار، تهران ۱۳۷۰.
- ۲- مرکز آمار ایران. جدول داده - ستانده اقتصاد ایران سال ۱۳۶۵. تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه. گزارش طرح توزیع درآمد و راههای تحقق عدالت اجتماعی در ایران - دفتر اقتصاد کلان. تهران، ۱۳۷۶. روش فوق از Gruzuel, Skolka ۱۹۷۶ اقتباس شده است.
- ۴- فرجی دانا، احمد؛ پویایی شناسی بخشهای اقتصادی برای تشخیص فعالیتهای کلیدی اقتصاد ایران در یک برنامه توسعه اقتصادی؛ مجله تحقیقات اقتصادی؛ شماره ۳۹ تهران؛ ۱۳۶۶
- ۵- جهانگرد، اسفندیار. تحلیل ساختار اقتصاد ایران براساس جدول داده - ستانده ۶۷-۱۳۴۸ دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی. تهران، ۱۳۷۵
- ۶- سازمان برنامه و بودجه. جدول داده - ستانده سال ۱۳۶۳. تهران؛ ۱۳۶۸.
- ۷- امینی و دیگران؛ برآورد آمارهای سری زمانی اشتغال و موجودی سرمایه در بخشهای اقتصادی ایران. سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان، تهران، ۱۳۷۶
- ۸- بفریان، آلبرت، برآورد موجودی سرمایه در زیر بخشهای عمده اقتصادی (۱۳۳۸-۵۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ۱۳۷۱.
- ۹- هاشمی فرزاد، بررسی اثر صادرات صنعتی بر اشتغال‌زایی صنایع بزرگ در ایران با پیشنهاد تابع تولید (۷۳-۱۳۵۷)؛ واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- نظری، محسن. تحولات بازار نیروی کار در ایران، روندها و پیامدها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۳۲-۱۳۱، تهران ۱۳۷۷.
- ۱۱- عیسی‌زاده، سعید، تحول تقاضای نیروی کار در بخشهای اقتصادی طی دوره ۷۵-۱۳۳۵، معاونت امور اقتصادی وزارت دارایی، تهران، ۱۳۷۷. ص ۱۰-۹.
- ۱۲- سه هارک پارک، تجزیه و تحلیل داده - ستانده‌ای بین بخش صنعت و خدمات در کشورهای مختلف و اثر آن در زمینه اشتغال، مترجم: بایزید مردوخ، مجله تحقیقات شماره ۴۴، زمستان ۱۳۷۰. تهران.
- ۱۳- شن، جورج؛ اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری؛ ترجمه معاونت اقتصادی بنیاد مستضعفان تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۴- سینگر، هانسن، تین برگن و دیگران؛ اشتغال توزیع درآمد و استراتژی توسعه، مترجم کیاوند عزیز؛ سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۶۹.
- ۱۵- بالاسا، بلا، استراتژیهای توسعه در کشورهای نیمه صنعتی، مترجم حقی، محمد علی تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۶- سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه سوم، جلد چهارم؛ گزارش عملکرد چهار سال اول برنامه دوم مرداد ۱۳۷۸ - تهران.
- ۱۷- سازمان برنامه و بودجه؛ روند گذشته، جاری و آینده بازار کار ایران؛ مستندات برنامه سوم توسعه، جلد ششم - ص ۲۳.
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه؛ سند برنامه سوم توسعه، پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول.
- ۱۹- امینی، علیرضا؛ بررسی روند تغییرات بهره‌وری در اقتصاد ایران طی سالهای ۷۵-۱۳۵۷ سازمان برنامه و بودجه، دفتر کلان ۱۳۷۶ - تهران. ص ۳۰
- ۲۰- رناتی، محسن. بازار یا نا بازار؛ سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۶.